

فرانکلین د. لوئیس

استاد ادبیات فارسی و مولوی پرویز آمریکایی

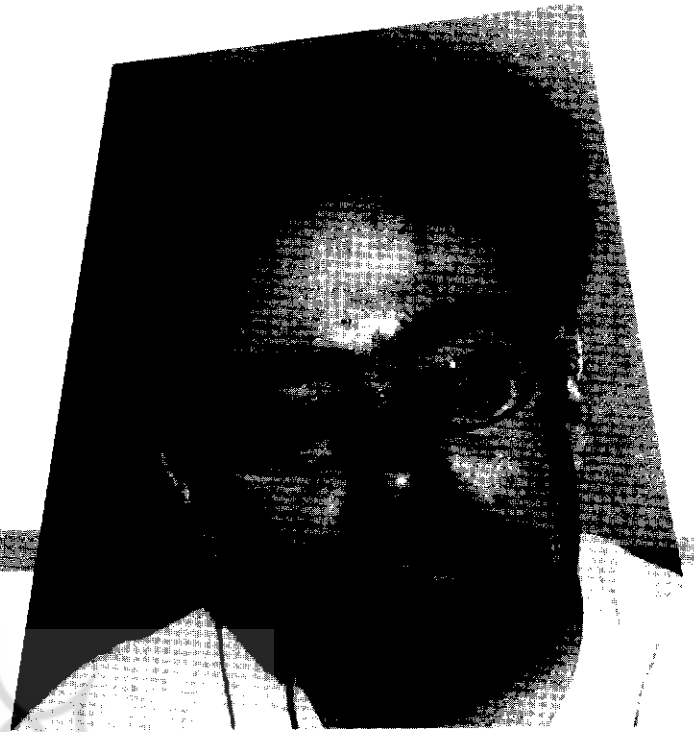
پس از رینولد البین نیکلسون فقید (۲۷ اوت ۱۹۴۵ - ۱۸ اوت ۱۸۶۸) و آثار گرانقدری که در زمینه عرفان و ادب فارسی، خاصه با تصحیح و شرح **مثنوی مولانا جلال‌الدین بلخی**، به فرهنگ ما تقدیم کرد، و پس از شادروان آنه ماری شیمیل (ژانویه ۲۰۰۳ - آوریل ۱۹۲۲)^۲ و تحقیقات عشق آمیزی که از او درباره تصوف اسلامی و بزرگان ادب و عرفان فارسی، خاصه مولانا جلال‌الدین بلخی، به یادگار ماند، امروز در میان محققان و دانشمندان انگلیسی زبان نام پروفیسور ویلیام چیتیک (۱۹۴۳) از همه مشهورتر است. چیتیک از جمله دیگر آثار خود، درباره مولانا جلال‌الدین بلخی نیز تحقیقات ارزنده‌ای منتشر ساخته است، اما چنین به نظر می‌رسد که عنایت او به حکمت و فلسفه بیش از عرفان عاشقانه مولانا است. وقتی به آثار ارجمند و پرمایه‌ای که چیتیک درباره ابن عربی منتشر ساخته است نظر می‌کنیم و آنها را با تبعاتی که درباره مولانا به عمل آورده مقایسه می‌کنیم، ناگزیر او را ابن عربی‌شناسی می‌بینیم که به مولانای بلخ نیز گوشه چشمی دارد. دکتر چیتیک، با آنکه بی‌شک از نام آوران انگلیسی زبان روزگار ما در زمینه فلسفه و عرفان اسلامی است، در دوره لیسانس، تاریخ می‌خواند و از دانشگاه تهران (بخش دانشجویان خارجی) دکترای ادبیات فارسی می‌گیرد، اما موضوع دانشنامه دکتری خود را فلسفه و معارف اسلامی انتخاب می‌کند و به تصحیح کتاب **نقد النصوص** جامی می‌پردازد که با پیشگفتار استاد سید جلال‌الدین آشتیانی شارح کبیر ملاصدرا و ابن عربی انتشار می‌یابد.^۳

فرانکلین دین لوئیس (Frankline Dean Lewis)

و اما از او که بگذریم، در میان انگلیسی‌زبانان شیفته ادب و عرفان فارسی به دانشمند مولوی دوستی برمی‌خوریم که سش هنوز به چهل و پنج نرسیده است و باید برای تحقیقات آینده پیرامون ادب فارسی، خاصه معرفی شایسته و عالمانه مولانا جلال‌الدین به غربیان و آمریکاییان امید فراوان به او بست. از این جهت بر خوانندگان آمریکایی آثار مولانا

انگشت تأکید می‌گذارم که کالمن بارکس (Coleman Barks) استاد بازنشسته رشته ادبیات انگلیسی دانشگاه جورجیای آمریکا، و دی پک چوپرا (Deepak Chopra) پزشک هندی الاصل آمریکانشین، و امثال کمتر معروف آنان، شعرهایی به نام مولانا در آن قاره ۲۵۰ میلیون نفری منتشر می‌سازند^۴ و صدا البته به دست دیگر مردمان انگلیسی زبان بریتانیایی و استرالیایی هم می‌رسد، که چهره‌های آمریکایی از مولانای ایرانی ما در ذهن آنان مجسم می‌سازد و با فرهنگ بی‌قید و بند آمریکایی بیشتر سازگاری دارد تا با معارف اسلامی و فرهنگ ایرانی مولانا جلال‌الدین، و هر چند که موجب افزونی فراوان شهرت مولانا و نام ایران در غرب شده است با کمال تأسف، رنگ و بوی عرفان اسلامی و ایرانی ندارد - انگار که مولانا آمریکایی بوده، در همین اواخر قرن بیستم در دل نیویورک به دنیا آمده، و در مکتب دکتر بارکس و دکتر چوپرا و امثالهم تربیت شده است. عیب بزرگ کار در این است که این گونه افراد در حالی اشعار مولانا را به گمان خود به انگلیسی ترجمه می‌کنند که نه علوم اسلامی می‌دانند و نه ادبیات فارسی می‌شناسند. خطر بزرگ‌تری که از این گونه ترجمه‌های ناشیانه ما را تهدید می‌کند ترجمه‌های آینده‌ای است که بی‌تردید اهالی زبانهای دیگر مانند فرانسویها، آلمانیها، سویسی‌ها و غیره از روی نوشته‌های انگلیسی اینان به زودی روانه بازار اروپا خواهند کرد و ما در این سوی کره زمین، در زادگاه مولانا، شادمان از این خیال که شعرهای او در آمریکا هفتصد - هشتصد هزار به فروش رفته و پرخواننده‌ترین کتاب فلان سال در آمریکا بوده است.

این است که وقتی با محقق پرشور و مستعد و برخوردار از نیروی شگرف جوانی روبه‌رو می‌شویم و او را دارای استعداد، نبوغ سرشار، علاقه و پشتکار فراوان می‌یابیم که در میان مردمان آسایش طلب آن قاره صنعت‌پرور سرمایه‌خیز، با تحمل مشقات زندگی دانشگاهی و دانش‌پژوهی، عمر را در راه گسترش زبان و ادبیات فارسی به قدم صدق و ارادت طی می‌کند، باید با کمال فروتنی خوش آمدش گوئیم، آفرینش بخوانیم، او را از قبيله خود بدانیم و دست کم وسایل تحقیق را در



دکتر حسن جوادی ، پروفیسور حامد الگار ، ژوزف زیدان ، پروفیسور ایرالاییدوس ، پروفیسور یونگ ، و پروفیسور فقید فضل الرحمان در شمار مشهورترین استادانی بوده‌اند که فرانکلین دین لوئیس از آنان ادب فارسی و عربی و علوم اسلامی آموخته است .

مولانا دیروز تا امروز ، شرق تا غرب ۵

فرانکلین لوئیس در دهه ۱۹۷۰ در کالیفرنیا جنوبی با اندیشه‌های لاهوتی مولانا آشنا می‌شود و به او دل می‌بازد . تحقیقات براون ، نیکلسون و آربری را درباره او مطالعه می‌کند و طی دوران تحصیلات دانشگاهی خود ، پس از آشنایی با زبان و ادب فارسی ، آثار مولانا را به زبان فارسی می‌خواند . رفته رفته با کمال شگفتی متوجه می‌شود که فرهنگ عامیانه مردم آمریکا پیام آسمانی این عارف عاشق الهی را تغییر داده و آن را در بازار کتاب مشتری سالار آمریکا تا حدنازل ترین معیارهای فرهنگ غیر مذهبی امروز آن دیار پایین آورده است .

بنابراین تصمیم می‌گیرد کتابی محققانه و جامع درباره مولانا تألیف کند . به نظر او دانشمندان پیشین به جنبه تاریخی زندگانی مولانا توجه کامل نکرده‌اند و از آن به سرعت گذشته‌اند . از این رو ، تحقیقات خود را بر شناختن مولانا از منظر واقعیات تاریخی معطوف می‌سازد و ثمره تلاشهای چندساله خود را در کتابی به نام **مولانا ، دیروز تا امروز ، شرق تا غرب** (Rumi Past And Present, East And West) می‌گنجاند . فرانکلین لوئیس کوشیده است در این کتاب شرح زندگانی ، افکار و اندیشه‌های مولانا را از زاویه حقایق تاریخی به قلم آورد و همچنین تأثیر افکار و آثار او بر متفکران ، نویسندگان ، هنرمندان و حتی سیاستمداران شرق و غرب نشان دهد . وقتی همه ششصد و پنجاه صفحه این کتاب پرمایه را ورق می‌زنیم از بسیاری اطلاعات و اعداد و ارقامی که ماهها و سالهای وقایع گوناگون مربوط به زندگانی مولانا یا صفحات کتابها و شماره‌های نوارهای مختلف و حتی شبکه‌های اینترنتی مربوط به او را

اختیارش گذاریم - اینها توقعات گزافی نیست .

دکتر فرانکلین دین لوئیس ، اگر از آغاز دوره لیسانس او حساب کنیم ، بیست و پنج سال از زندگانی خود را صرف آموختن زبان و ادبیات فارسی کرده؛ بیش از هفت سال است که به تدریس زبان و ادبیات فارسی مشغول است ، و نکته شایان توجه در زندگی علمی او همین است که در سراسر دوران تحصیل و تدریس سی و دو ساله خود با زبان و ادبیات فارسی و لوازم آن از قبیل زبان و ادبیات عربی و علوم اسلامی زیسته و همه تحقیقات او منحصر به همین رشته وسیع بوده ، و بنابراین از او دانشمندی توانا در رشته ادب فارسی آفریده است؛ پایان نامه دکتری فرانکلین لوئیس درباره سنایی و پیدایش غزل فارسی است که جایزه بنیاد تحقیقات ایرانی را نصیب وی ساخت؛ مقالاتش درباره حافظ و رندی ، حافظ و موسیقی و **گلستان سعدی در دائرةالمعارف ایرانیکا** چاپ شده است؛ مهم ترین کتابش درباره مولانا جلال الدین جایزه انجمن دوستی بریتانیا و کویت را به دست آورد؛ و اینها همه از توانمندی او در زمینه تحقیقات مربوط به ادب فارسی خبر می‌دهد .

فرانکلین آموختن زبان و ادبیات فارسی را در سطح دانشگاه از برکلی (Berkeley) گروه مطالعات خاور نزدیک ، آغاز کرد و قبل از آنکه در سال ۱۹۸۳ دوره کارشناسی را در آنجا به پایان برساند ، دو سال (۲ - ۱۹۸۱) در دانشگاه لیدز انگلستان به تحصیل زبان و ادبیات عرب ادامه داد . سپس به دانشگاه شیکاگو ، گروه زبان و تمدنهای خاور نزدیک ، رفت و در سال ۱۹۹۵ در رشته زبان و ادبیات فارسی به اخذ درجه دکتری نائل آمد و تا دو سال در همانجا به تدریس زبان و ادبیات فارسی پرداخت . او اکنون دانشیار تمام وقت زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اموری (Emory University) است که در شهر اتلانتای ایالت جورجیا آمریکا قرار دارد . دکتر حشمت مؤید ، دکتر ژاله پیرنظر ، دکتر محمود امیدسالار ،

یکی از جالب‌ترین و تازه‌ترین مباحثی که لوئیس در این کتاب مطرح کرده، تاریخ آشنایی غرب با مولانا است، که قبل از دویست سال پیش با خاطرات مسافران اروپایی از سفر به ترکیه و دینار با مولویان و تماشای مراسم سماع و آداب دیگر آنان آغاز می‌شود.

نوشتن چنین کتابی، بی‌تردید، نیازمند تحقیق مستمر در آثار بسیاری است که از مطالب دیگر درباره مولانا هم سخن گفته‌اند. من به تحقیق نمی‌دانم که دکتر لوئیس چند سال از عمر خود را صرف تحقیق و یادداشت‌برداری و تألیف کتاب مولانای خود کرده ولی رنج فراوان او از فحوای سخنش پیداست:

در حالی که کتابهای مرجع را در اتاق نشیمن منزلمان بر گرد خود روی هم چیده بودم، تا ساعت پنج و شش بامداد خمیده پشت می‌نشستم. شانه‌هایم به شدت درد می‌گرفت و به سبب بی‌خوابی دچار سردرد می‌شدم، و با این حال کار می‌کردم تا این کتاب به اتمام رسید. ۷

آشنایی من با دکتر فرانکلین لوئیس

من از خوانندگان پر و پا قرص مجله بخارا می‌دهی هشتم که می‌دانم با چه سختی‌ای آن را منتشر می‌کند. روزی استاد بزرگوار ایرج افشار در آن مجله نوشته بودند که دکتر لوئیس کتابی راجع به مولانا تألیف کرده است. ۸. بدون درنگ از دوست بسیار عزیزم که استاد دانشگاه ایالتی میشیگان است خواهش کردم کتاب لوئیس را تهیه کند و بفرستد. دکتر معلمیان در اسرع وقت آن کتاب را به دست مسافری هم‌وطن داد و به من رساند. آن را در مطالعه گرفتم و ارزنده یافتم و قصد ترجمه آن در من زنده شد.

پس از یک سالی که به کار ترجمه کتاب لوئیس مشغول بودم ضروری دیدم مطالبی را با او در میان گذارم. به هر طریق که بود آدرس ایمیل او را در اینترنت یافتم؛ موضوع را با وی در میان نهادم و او با کمال شوق قول داد به من کمک کند. بنابراین مکاتبه الکترونیکی ما شروع شد و هنوز هم ادامه دارد. این همکاری سبب شد تا من بتوانم با قوت قلب و اعتماد بیشتری معادلهای فارسی خود را در برابر کلمات و عبارات او قرار دهم و از سوی دیگر نیز موجب آن شد که لوئیس گاهی در عبارتی یا مطلبی تجدیدنظر کند. این است که شاید ترجمه فارسی کتاب او در برخی موارد با متن اصلی انگلیسی آن تفاوت پیدا کرده باشد.

در اواخر مهرماه ۱۳۸۲ ضمن برگزاری مجمع استادان زبان و ادبیات فارسی در تهران، هتل لاله، اولین بار لوئیس را ملاقات کردم و باز هم این ملاقات چند ساعته به صحبت درباره کتاب مولانا گذشت. او را در این چند ساعت انسانی یافتم شریف، پر از نشاط علمی و نیروی تحقیق، بی‌حب و بغض و تعصب بی‌جا، بسیار متواضع، خندان رو و گاهی بذله‌گو، که زبان فارسی را بسیار روان صحبت می‌کرد و نور استعداد و نبوغ ذاتی از چشمانش می‌درخشید و سخنانش حاکی از احاطه علمی او بر تحقیقات مفصلی بود که درباره مولانا به عمل آورده است.

دکتر لوئیس و ادبیات معاصر ایران

از نکات بسیار جالب توجه در زندگی علمی فرانکلین لوئیس علاقه

نشان می‌دهد در شگفت می‌شویم. تحقیقات مفصل دکتر لوئیس در واقع دایره‌المعارف مولانا است که وقایع مستند تاریخی روزگاران تولد تا درگذشت او را دربر می‌گیرد و افزون بر این، مشتمل است بر معرفی تقریباً همه دانشمندان و نویسندگان ایرانی، ترک و عرب و هندی، پاکستانی و افغانی و اجله علمای اروپایی و آمریکایی و ملل دیگر که هر یک به نوعی در زمینه معرفی آثار و افکار مولانا و شرح زندگانی او قلم زده‌اند و آثار ارزنده آفریده‌اند - از تألیف و ترجمه کتاب گرفته تا سرودن شعر و اجرای برنامه‌های موسیقی و نمایشنامه و امثال آن. لوئیس به همین بسنده نکرده است و بخشی از کتاب مولانای خود را به معرفی آثاری اختصاص داده که در رسانه‌های همگانی به صورت فیلم، نوار، ویدئو و نوار صوتی از اشعار او فراهم آمده یا به صورت‌های دیگر مانند باله و اپرا و رقص ارائه شده است. آدرس سایتهای اینترنتی مربوط به مولانا را نیز می‌توان در کتاب لوئیس پیدا کرد.

اما قسمت اعظم کتاب مولانا، دیروز تا امروز، شرق تا غرب، یعنی در واقع دو سوم این کتاب صرفاً به خود مولانا اختصاص دارد که چهار بخش کامل از بخشهای پنجگانه آن را تشکیل می‌دهد. این بخشها به طور خلاصه، درباره بهاء‌الدین ولد (سلطان العلماء)، سید برهان‌الدین محقق ترمذی، شمس‌الدین تبریزی، فرزندان مولانا و اخیان مریداو، حسام‌الدین، صلاح‌الدین، دانشمندان و حکمرانان معاصر او، تأثیر مریبان و آموزگاران و معاصرانش بر او، همچنین تأثیر شیوه تفکر و زندگی مولانا بر جامعه علمی، سیاسی و مردم هم‌روزگار او و بسیاری مطالب دیگر از جمله ایجاد سلسله مولویه، چلی‌ها، تغییر شیوه زندگی و تمایلات آنان پس از مولانا تا به امروز، سخن می‌گوید. دکتر لوئیس در بخشی دیگر از این کتاب کوشیده است با دیدی انتقادی و نکته‌بین به مقایسه سخنان مناقب‌نامه‌نویسان از قبیل افلاکی و سپهسالار و تذکره‌نویسانی چون جامی و دولت‌شاه سمرقندی بپردازد و برخی واقعیتهای زندگی مولانا را از پرده پر ابهام افسانه‌ها و حکایت‌های آنان بیرون کشد.

در واقع، لوئیس در این چهار بخش نشان داده است که مولانا از زمان کودکی تا جوانی و پیری با چه افرادی از فقیه و عارف و زاهد، ایرانی و عرب و مسلمان و حتی مسیحی نشست و برخاست می‌کرده، چه درسهایی خوانده و در کجا تحصیل کرده و در چه فضاها و محیط‌هایی زیسته و کدام عوامل دنیایی و مادی، معنوی و روحانی، و حتی سیاسی بر منش او و بر افکار او تأثیر گذاشته تا مولانایی شده است که در مثنوی معنوی و در غزلیات شمس می‌بینیم.

فرانکلین لوئیس، خودش، در مصاحبه‌ای راجع به کتاب مولانای خود می‌گوید که گذشته از علاقه غربیان به مولانا، دلیل دیگری نیز سبب تألیف این کتاب مفصل شده و آن تمایل او به معرفی چهره حقیقی مولانا به شیوه علمی و مستند به اسناد تاریخی بوده است:

دلیل دیگر، انجام کاری علمی و ماندنی بود... چهره مولانا در غرب تجاری شده است و حتی دانشمندی که درباره مولانا به تحقیق پرداخته‌اند نیز کمتر به چهره او از دیدگاه تاریخ نظر انداخته‌اند. من در این کتاب سعی کردم به این چهره مولانا توجه کنم و بینم آیا با مدارکی که موجود است می‌توان از دریچه تاریخ چهره مولانا را بهتر شناخت یا نه؟ و امیدوار بودم و هستم که این کتاب بتواند مبنای پژوهش‌های آینده

و مروج فرهنگ ایران زمین در سراسر گیتی شود، خاطرات سفرهای خوش خود را به عالم ارواح برد.

پانوشتها:

۱- ر.ک: رینولدالین نیکلسون، شرح مثنوی معنوی مولوی، ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی، تهران، ۱۳۷۴، سخن مترجم؛ نیز، بن: نیکلسون، عرفان عارفان مسلمان، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، مشهد، ۱۳۷۲، صفحه ۲۱ به بعد؛ همچنین بن: رینولدالین نیکلسون، عرفای اسلام، ترجمه دکتر ماهدخت همایی، تهران، ۱۳۶۶، صفحه ۱۰ به بعد.

۲- ر.ک: آن ماری شیمیل، شکوه شمس، سیری در آثار و افکار مولانا، ترجمه حسن لاهوتی، تهران، ۱۳۶۷، چاپ چهارم ۱۳۸۲، سخن مترجم، صفحه پانزده به بعد؛ نیز: «بانوی شرق شناس غرب، در معرفی آنه ماری شیمیل»، کیمیا، دفتری در ادبیات و هنر و عرفان. شماره ۵، صفحه ۲۶۵ به بعد؛ نیز: آنه ماری شیمیل، افسانه خوان عرفان، به کوشش حسین خندق آبادی، تهران، ۱۳۸۱.

۳- همان، شماره ۴، صفحه ۱۱۵ تا ۱۷۰.

۴- ر.ک: «مولانا جلال الدین در آمریکا و اروپای امروز»، در تحفه های آن جهانی، سیری در زندگی و آثار مولانا جلال الدین رومی، به کوشش علی دهباشی، تهران، ۱۳۸۲، صفحه ۲۳۴ تا ۲۴۴.

۵- ترجمه فارسی این کتاب را نشر نامک به زودی به قلم نگارنده منتشر خواهد کرد.

۶- روزنامه ایران، ویژه نامه همایش آموزه های مولانا برای انسان معاصر، سال نهم، شماره ۲۶۶۹، سه شنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۸۲، صفحه ۳۳، با اندکی تغییرات ویرایشی ضمن پوزش از مترجم محترم آن.

۷- نامه شخصی دکتر فرانکلین لوئیس به نگارنده، ۲۸ دسامبر ۲۰۰۳ (هفتم دی ماه ۱۳۸۲).

۸- ایرج افشار، «تازه ها و پاره های ایران شناسی (۶)»، بخارا، شماره ۱۰ و ۱۱، اسفند ماه ۱۳۷۸، صفحه ۹۳.

۹- ر.ک:

Black Parro Green Crow, A Collection of Short Fiction, by Hushang Golshiri; edited by Heshmat Moayyed, U.S.A., 2003.

۱۰- ر.ک:

Stories From Iran, A Chicago Anthology 1921-1991, Edited By Heshmat Moayyed, U.S.A. 1991.

۱۱- ر.ک:

In A Voice of Their Own, A Collection Of Short Stories by Iranian Women, Written Since the Revolution of 1979. Compiled and Translated with an Introduction by Franklin D. Lewis and Farzin Yazdanfar, U.S.A. 1996.

۱۲- شرح مثنوی معنوی مولوی، پیشین، صفحه صد و پنج و شماره ۸ ذیل همان صفحه (نامه فرهنگستان، شماره اول از دوره چهارم، اردیبهشت ۱۳۷۵، صفحه ۱۸).

۱۳- ر.ک: حسن لاهوتی، «آنه ماری شیمیل، مولوی شناس فقید». بخارا، شماره ۲۷، آذر و دی ۱۳۸۱، صفحه ۳۲۹.

و توجه او به آثار نویسندگان معاصر ایران است. در این باره به ذکر همین نکته باید بسنده کرد که وی تاکنون داستانهای کوتاهی را از هوشنگ گلشیری^۹، سیمین دانشور و گلی ترقی^{۱۰} به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر کرده است. دکتر لوئیس در مجموعه ای دیگر، داستانهای کوتاهی از گلی ترقی، مهین بهرامی، شهرنوش پارس پور، منیرو روانی پور، شهلا شفیق، رویا شاپوریان، طاهره علوی، سودابه اشرفی، شکوه میرزادگی، فرخنده آقایی، مهکامه رحیم زاده، مهری یلفانی و فریبا وفی را با همکاری فرزین یزدانفر به انگلیسی ترجمه کرده است و مقدمه نسبتاً مفصلی نیز درباره زنان ایران بعد از انقلاب اسلامی بر آن نگاشته است.^{۱۱}

امید آنکه، مسئولان حفظ میراث ادبی و فرهنگی ایران، یعنی دانشگاهها و پژوهشگاههای معارف اسلامی و گنجینه های ادبی، غافل نمانند و تا دیگران پیش دستی نکرده اند راه این دانشمند ایران دوست و این محقق عاشق ادب فارسی را به مراکز علمی ما بازکنند. چه خوب است همچنانکه ترکها و پاکستانیها با پروفوسور شیمیل فقید رفتار کردند و فایده اش را هم دیدند، سازمانهای پژوهشی و دانشگاههای ایران از او دعوت کنند چند سالی در ایران تدریس کند. این گونه مرادفات علمی سبب می شود تا این گونه پژوهشگران دانشمند بتوانند از نزدیک با فرهنگ ایران زمین آشنا شوند؛ به منابع و مآخذ مکتوب ایرانی از نزدیک دسترسی یابند؛ با استادان و پژوهشگران ادب و عرفان ایران و اسلام به گفت و گوهای علمی و تبادل نظر بنشینند و برای تألیف کتابها و مقالات بیشتر و انتشار آنها در سطح جهان با یکدیگر همکاری کنند. کمترین نتیجه اتخاذ چنین روشی، افزون بر استفاده ایرانیان از تحقیقات جدید و وسیع علمی، معرفی شایسته و بایسته فرهنگ و ادب ما در سراسر گیتی خواهد بود.

خدایش بیامرزد نیکلسون هرگز فرصت سفر به ایران را نیافت و دو سه سال مانده به مرگش او را به عضویت فرهنگستان ایران مفتخر ساختند^{۱۲} و پروفوسور شیمیل، که روانش شاد باد، در سالهایی به ایران دعوت شد و دانشگاه تهران و پس از آن دانشگاه الزهراء (ع) وقتی به او دکتری افتخاری داد که دو سه ماه بعد دعوتنامه فرشته مرگ را برای شرکت در مراسم ماه غسل ابدی خود دریافت کرد^{۱۳} و به جای آنکه مبلغ

